

محبوبه عظیم زاده m.azimzadeh@shahraranews.ir
 احتمالا من باید همین ابتدا و هنوز وقتی که کلماتم سروسامان نگرفته اند، بابت تلخی واژه ها و ناخوشایند بودن جملاتم عذرخواهی کنم، بابت اینکه می خواهم بگویم این جماعت دارند

به بدوی ترین شکل ممکن زندگی می کنند، بابت اینکه می خواهم بگویم چه چهره دردناکی بر تصاویر و ویدئوهایی که از دل سیستان و بلوچستان در می آید حاکم است. بابت اینکه می خواهم بگویم فقر است که از سر و صورت این آدم ها و شکل و شمایل زندگی شان می بارد و بابت اینکه هسی می گویم و پیش خودم آب می شوم. شاید هم چندان توفیری نکند وقتی که این کلمه ها و ترکیب های کهنه واقعیت محض و همیشگی سیستان و بلوچستان و مردمش است، واقعیتی که انگار قرار نیست دست از سر اهل و اهالی اش بردارد و بدتر اینکه در این میان هیچ کس نیست که بیاید و صدای مردم شود و فریاد بزند که آقای مسئول! آقایی که بر خلاف ما دست به هزار و یک جامی رسد! آقایی که می توانی کاری بکنی و باری را از روی دوش مردم برداری! مآب نداریم، برق نداریم، سقف بالای سر نداریم و اصلا ما هیچ نداریم!

● درحسرت ابتدایی ترین نیازهای

زندگی این هم یک جور عادی شدنن است دیگر، مگر نه؟ اینکه هر از گاهی که تلگرام و شبکه های اجتماعی دیگر را بالا و پایین می کنیم و این صفحه مسئول! آقایی که بیاید و صدای مردم می بینیم یک ویدئو و یک تصویر جدید از یک نقطه سیستان و بلوچستان دست به دست می چرخد که والسفا از این شرایط. این بار، اینجا، دلگان سیستان و بلوچستان است.

Tweets

امین اردانی فعال توییتری
@Amin_Ardanii

من فرق خسوف و کسوف رو اینطوری حفظ کرده بودم که خسوف خ داره خورشید هم خ داره پس می شه ماه گرفتگی!

🗨 👍 ❤️ 🔁
--

یونس شکرخواه پژوهشگر حوزه ارتباطات
@younesshokrkhah

ارتباطات دو پایه دارد: ۱. رمزگذاری (خرف زدن و نوشتن) ۲. رمزگشایی (شنیدن و خواندن) ##ارتباطات به زبان ساده## رمزگذاری /#رمزگشایی

🗨 👍 ❤️ 🔁
--

محمد مالی خبرنگار
@mohammademali

شنیدم یکی از خانم های زباله گرد، کرونا گرفته . زنگ زد م به یکی از خانمهایی که سال هاست توی این کار هست و آدم بسیار موجهی است. گفتم با گله که ایشان ماسک و دستکش و مواد ضدعفونی داشت! گفت آخر همیشه غذاهای داخل زباله را می خورد و... دیگر چیزی نمی شنیدم. همه جا سیه شد. سباه...

🗨 👍 ❤️ 🔁
--

ترانه در دام حاشیه

حکم ۵ ماه زندان ترانه علیدوستی دوباره نام او را بر سر زبان ها آورده است

اندوه سیستان، رنج بلوچستان

کپرنشینان سیستان و بلوچستان در گرمای تابستان همچنان بی آب اند و بی امکانات



طرح: علیرضا قانلی / شهرآر

و زندگی کنند. می گوید: «امروز سی و یکم خرداد است. برق نداریم، وسایل برقی نمانده.» و بعد با یک ظرف از یک مخزن حلبی رنگ و رو رفته ته مانده آبی را بر می دارد و می پاشاند روی کبرها و دوباره می گوید: «آبش می زنیم، هر چی آب می زنیم، خشک می شه. رسیدگی بشه به ما. دهیار محترم... مسئول بالایی...»

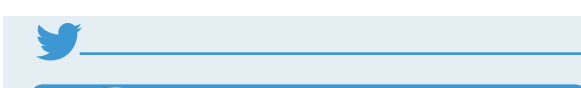
● چطور باید اینجا زندگی کرد؟ حالا به لطف فضای مجازی و شبکه های اجتماعی هر از

گاهی صدایی از سمت سیستان و بلوچستان به گوش می رسد. از سمت زاهدان، روستاهای آن و کپرنشینان. سیل که آمد خیلی ها شرایط سیستان و بلوچستان و وضعیت امداد رسانی را با تهران مقایسه کردند و نوشتند: «سیستان وبلوچستان را سیل شست و برد. اما خب پایتخت نشین نیستند تا دردهایشان را در بوق و کرنا کنیم.» و حالا دوباره سیستان و بلوچستان در آغزین روزهای تابستان که دارد با گرما و بی آبی دست و پنجه

دیدن این چیزا چی؟ بد نیست؟ زشت نیست؟» «دیگه باید چطوری و به چه زبونی نیاز مردم این خطه به رخ کشیده بشه؟ چرا کسی همت به خرج نمی ده گرهی از کار این مردم باز کنه؟»

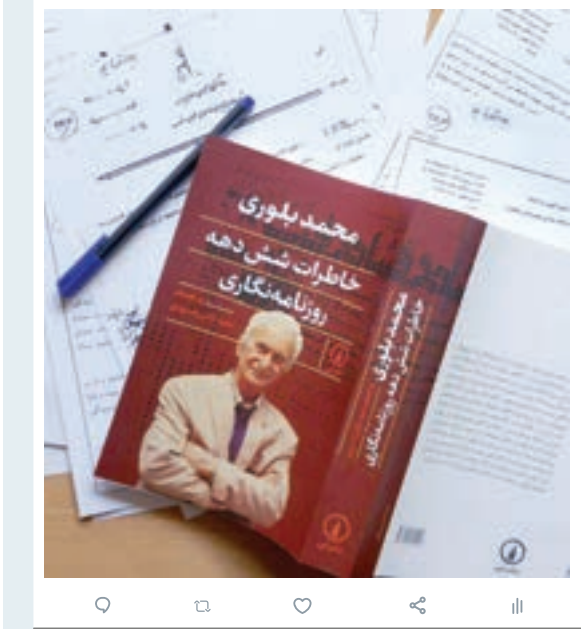
● بانبرولی نیازمند

سیستان و بلوچستان زیبا و مظلوم ما همیشه بر سر زبان هاست اما نه به خاطر زیبایی و ظرفت و هنرهای نهفته درون خاکش و درون خون مردمش. سر زبان ها بوده است، چون مشکلاتش تمامی ندارد، چون یک روز آلودگی وحشتناک هوا و ریزگردهای ویلان و سیلانش داد مردم را در می آورد، یک روز آب نداشته و عطشی که نمی خوابد و یک روز دیگر سیل ویران کننده ای که همان داروندار اندک را هم می برد و حالا حتما کرونا هم به این ها اضافه شده است. زمستان ۹۸ بود که سیل مردم سیستان و بلوچستان را تا کمر در آب فرو برد و بعد رئیس جمهوری در نشست هماهنگی مدیریت بحران سیستان و بلوچستان که در چابهار برگزار شد با غرور از این نکته یاد کرد که چقدر لذت بخش بود که مردم سیستان و بلوچستان با غرور و ایمان خم به ابرو نیاروند. نجابت و زیست ساده و قناعت مردم این خطه همیشه سر زبان ها بوده است و هست اما ای کاش حالا را هم ببینند: این روزهایی را که نه تنها خم به ابروی آن ها آمد، بلکه تقاضا برای بهبود شرایط زندگی شان باعث شده است دیگر خیلی ها قید غرورشان را بزنند و صدایشان را بلند کنند و بگویند: «هر کی می آد فیلم می گیره و بعدشم تو تلویزیون نشون می دن. مسا بولچیم، آبرو داریم، شخصیت داریم، مگه کپرنشین ها آدم نیستن؟»



با اسکن این بارکد می توانید کلیپ مربوطه را ببینید

کتاب خاطرات محمد بلوری به چاپ دوم رسید. در واقع باید گفت این چاپ ویراست دوم کتاب هم محسوب می شود. اصلاحات چشمگیری در متن انجام دادیم و ممنونیم از تمام دوستان و همکاران و استادانی که با تذکراهایی درباره چاپ اول کتاب، به ما برای اعمال اصلاحات در چاپ دوم یاری رساندند.



🗨 👍 ❤️ 🔁
--

محمدناصر حق خواه
Mn.haghhdiah@shahraranews.ir

ترانه علیدوستی باز یگر کم حاشیه ای است؛ البته اگر متر و معیار حاشیه داشتن و نقل محافل بودن را همکاران دیگر او بدانیم، علیدوستی نه مشغول اظهار نظر دائم درباره مسائل مختلف و در گیری کلامی با دیگران است، نه در تبلیغات غوطه ور شده است، نه مصاحبه تصویری خاصی انجام می دهد و نه حتی در صفحه شخصی اش پست و استوری زیادی می گذارد. برای همین به گوش رسیدن خبر صدور حکم حبس برای او کمی ابروها را بالا می برد و شاخک ها را تیز می کند. خبری که بدروز در توییتر یکی از خبرنگاران تهرانی منتشر

ممكن بود توى آن بیفتند تجاّت پیدا کرد.

ترانه علیدوستی غیر از دوره انتخابات

ریاست جمهوری که مثل سال های قبل و مثل اکثر همکارانش در تبلیغ یکی از نامزدها حضور داشت، کار سیاسی و اظهار

نظر اجتماعی خاصی انجام نداده است. از

سویی در همان موضوع تبلیغات انتخابات

ریاست جمهوری هم بیشتر از یک پست و

استوری کاری نکرد و از بازیگرانی نبود که

در مراسم انتخاباتی با فیلم های تبلیغاتی

نامزدها حضور داشته باشد. عمده حاشیه

و کار عجیبی که از او دیده شد حمایت

از سرمایه گذار و تهیه کننده سریال

شهروزاد بود، آن هم پس از هجماه های

زیادی که علیه این تهیه کننده و البته

عوامل انجام شدد و پویش نه به شهروزاد

و مطالبه عمومی برای مشخص شدن

منابع مالی این سریال. در آن روزها ترانه

با چند اظهار نظر آن هم علیه موج رایج

آن روزها، اوضاع را برای اولین بار علیه

خود کرد و به عنوان یک بازیگر همیشه

محبوب برای اولین بار مورد انتقاد گروهی

از کاربران و بعضی رسانه ها قرار گرفت اما

با پافشاری نکردن روی این موضوع و گذر

سریع از آن، زیاد وارد حاشیه های مرتبط

با شهروزاد نشد و از گرداب خطرناکی که

ممکن بود توی آن بیفتند تجاّت پیدا کرد.

فروش نوزاد روی دیوار اینستاگرام

درباره صفحه های خرید و فروش نوزاد

که به تجاری الکترونیک تبدیل شده است



فرانک بابایور

چند روزی است اسکرین شات هایی از یک صفحه اینستاگرامی منتشر می شود که گویا در آن نوزادان و کودکان خردسال خرید و فروش می شوند. اسکرین شات ها مربوط به استوری های این صفحه و کامنت هایی است که زیر پست های آن رد و بدل شده اند. کامنت هایی شبیه به همه کامنت های تبلیغی که هر روزه زیر پست های اینستاگرام یا در صفحه های کسب و کار می بینیم، منتها با این فرق که کالای مورد نظر نوزادان هستند، نوزادانی چندروزه و چندماهه که گاهی شخص سفارش دهنده، مشخصات نوزاد دلخواهش را هم گفته است: «دختر سفید با چشم های درشت و رنگی سراغ داشتن اطلاع بدین لطفاً!» این عکس ها در اینستاگرام و توییتر منتشر شده و واکنش های زیادی در دنبال داشته اند و بسیاری از آن ها پلیس فتا را که قرار است حواسش به همه چیز باشد، محکوم کرده اند. این صفحه که با نام «نوزاد و بچه واگذاری» در اینستاگرام فعالیت می کرد، حالا همه پست هایش را پاک کرده و هیچ دنبال کننده و دنبال شونده ای ندارد، شبیه صفحه متروکه که مدت هاست از بین رفته است و هیچ رفت و آمدی ندارد و به جای آن صاحب پیج، صفحه دیگری ساخته و آگهی های فروش را به پیج جدید منتقل کرده است. با این حال هنوز صفحه های دیگری هستند که با نام های مستعار فعالیت می کنند. یکی از این صفحه ها راه راحتی می توان از کامنت های همین اسکرین شات ها پیدا کرد، صفحه ای با نام «قند و نبات» که اتفاقاً ۳ استوری آخرش آگهی فروش ۳ نوزادی است که هنوز متولد نشده اند و اگر این صفحه هم توسط پلیس فتا بسته شود، باز هم صفحه های دیگر با اسم های مستعار دیگری به این کسب و کار خواهند پرداخت و به قول یکی از کاربران توییتر: «تجارت خرید و فروش نوزاد بیشتر از ۳۰ ساله که در ایران انجام می شه، قبلا به خانوم ها سفارش می دادن و بعد از زایمان تحویل می داد. کل هزینه دوران زایمان از زمان تحویل بچه به عهده سفارش دهنده بود که الان به دلیل شبکه های اجتماعی، باری و قیمت ها عوض شده.» با چرخي در اینترنت می توان به صحت چنین ادعایی رسید که اتفاقا خیلی زود به چند خبر در این مورد می رسیم. یکی خبر خرید و فروش نوزاد در اطراف بیمارستان های تهران است و دیگری انهدام یک پاند خرید و فروش نوزاد در گلسنت. این دو خبر تنها مربوط به بازه زمانی یک ماه گذشته است و احتمالا اخبار و گزارش های بیشتری از این خرید و فروش ها در شهرهای مختلف وجود داشته و اگر خبری هم کار نشده است، شاید به این دلیل باشد که خبرنگار یا کاربر فعالی از آن باخبر نشده و تجارتشان به صورت زیرزمینی باقی مانده است.

یک استادیوم خالی

هدیه دموکرات ها به ترامپ

محمد دادگر

هر ۴ سال یک بار با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، علاوه بر پویش های بزرگ و پر خرج نامزدها و مناظره های پرشور و مصاحبه های بی پرده ای که نامزدها علیه یکدیگر انجام می دهند، مسئله دیگری هم پای ثابت کارزارهای انتخاباتی است. انتشار یک کتاب خاطرات یا یک مجموعه مقاله افشاگرانه علیه نامزدها که اوضاع را برای آنان پیچیده می کند. اتهاماتی که در این کتاب ها مطرح می شود، بسته به نزدیک بودن نویسنده به نامزد مورد نظر و مدارک و شواهد موجود در آن اوضاع را برای آن نامزد سخت و سخت تر می کند. اما امسال اوضاع خیلی پیچیده تر از حد معمول است. کتاب پرسروصدای امسال که علیه نامزد جمهوری خواهان چاپ شده است نه توسط یک نویسنده دموکرات یا یک روشنفکر مستقل یا یک میانه رو که سابقه کار با ترامپ را دارد، که توسط یکی از تندرو ترین جمهوری خواهان سرشناس آمریکایی، یعنی جان بولتون، نوشته شده است. جان بولتون با آن ظاهر عجیب و سبیل پر پشت که در آمریکا کمتر دیده می شود و حضور دائمی اش در یکی از تندروترین رسانه های آمریکا، یعنی فاکس نیوز، برای همه شناخته شده است، حتی برای ایرانی ها. او همیشه مدافع و مشوق حمله به ایران بوده و از بر خورد نظامی سخن می گفته است؛ از زمان جرج بوش جمهوری خواه تا دوره اوباما ی دموکرات، موضع جان بولتون جنگ بود. با رئیس جمهور شدن ترامپ، بولتون بعد از دوره طولانی کارزار به نفع او، مشاور امنیت ملی ترامپ شد. خیلی ها این موضوع را به منزله شروع یک دوره منجر به جنگ پیش بینی کردند و احتمال دادند که ترامپ با مشاوره جان بولتون از همیشه تندروتر خواهد بود. اما اوضاع آن طور که بعضی ها پیش بینی می کردند جلو نرفت. پس از همکاری یکی دو ساله جان بولتون و دونالد ترامپ، آن ها با در گیری شدید کلامی و مشکلاتی علنی از هم جدا شدند. حالا جان بولتون پس از سکوتی طولانی با انتشار کتابش نکاتی مخفی از تصمیمات عجیب و تفکرات پیش پا افتاده ترامپ و اشتباهات او منتشر کرده که همه را متعجب کرده است. او که جمهوری خواه دوآتشف است همچنین گفته که به ترامپ رای نخواهد داد و به جو بایدن هم رای نمی دهد.

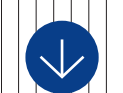
اوضاع رقابت، وقتی یکی از ۲ سر مجرا تندرو باشد، بی شک به سمت پیچیده شدن خواهد رفت. در انتخابات امسال، از سویی ترامپ با دو قطبی کردن جامعه اوضاع را پیچیده می کند و از سمتی افشاگری های نزدیکان جدا شده از او و اتحاد سراسری دموکرات ها علیه ترامپ کار را برای او سخت می کند. نشان به آن نشان که در آخرین سخنرانی انتخاباتی ترامپ، دموکرات ها با رزرو جا و نرفتن به اسنادیوم محل سخنرانی همه صندلی ها را خالی نگه داشتند و از آن سمت هم ترامپ در آن مراسم، دموکرات ها را با بدترین لحن ممکن خطاب قرار داد. البته نکته اینجاست که همه این افشاگری ها و حواشی، تازه عماه مانده به انتخابات است.

شهرآر

روزنامه شهرامیدوزندگی

شهرآر ۳شنبه ۲ تیر ۱۳۹۹ ۱۳شهرآر ۳شنبه

۱۳



روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه



روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه